



www.ketab.ir

کوه آنالوگ

رُنه دوما /
محمد علی رفیعی

سرشناسه: دومال، رنه، ۱۹۰۸-۱۹۴۴م. Daumal, René
عنوان و نام پدیدآور: کوه آنالوگ: رمانی درباره یک ماجراجویی کوهستانی غیراقلیدسی و به طرز نمادینی واقعی / رنه دومال؛ ترجمه محمدعلی رفیعی.
یادداشت: عنوان اصلی: Le Mont Analogue.
موضوع: داستان‌های فرانسه -- قرن ۲۰م.
French fiction -- 20th century

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا
شناسه افزوده: رفیعی، محمدعلی، ۱۳۵۱، مترجم
رده‌بندی کنگره: PQ۲۶۶۶
رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۹۱۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۶۰۵۶۹
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۳۷-۲۸-۵
مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص.: مصور: ۱۶X۱۱/۵ س.م.
مشخصات نشر: تهران: رایبد، ۱۴۰۳.

کوه آنالوگ

اتاق نوولا

دبیر مجموعه: بهمن علاقه‌مند

نویسنده: رنه دومال

مترجم: محمدعلی رفیعی

ویراستار: مریم دادگر

نمونه‌خوان: نرگس صوفی‌سیاوش

صفحه‌آرا: استودیو زاغ

مدیر هنری و طراح جلد: محمدرسول شکرانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: جواهری

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۳۷-۲۸-۵

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین

خیابان وحید نظری، پلاک ۱۲۰

تلفن: ۰۲۱۶۵۰۱۱۵۵۴ - موبایل: ۰۹۰۵۱۵۱۳۷۰۲

www.raybodpub.com

info@raybodpub.com

@raybodpub

- ۷ یادداشت دبیر مجموعه
- ۱۱ مقدمه مترجم
- ۱۷ فصل اول، فصل آشنایی
- ۴۵ فصل دوم، که فصل پندارهاست
- ۷۵ فصل سوم، سفر
- فصل چهارم، که به مقصد رسیدیم و تکلیف وجه
- ۹۷ رایج برای دادوستد مشخص شد
- ۱۲۱ فصل پنجم
- ۱۳۵ یادداشت ناشر فرانسوی
- ۱۵۱ مؤخره

شاید «نولا» - یا به عبارت دیگر رمان کوتاه - برای خواننده ایرانی واژه‌ای چندان شناخته‌شده نباشد که البته طبیعی است، چون زبان فارسی در وارد کردن واژگان دخیل و نحوه تلفظشان نسبت به انگلیسی و زبان فرانسه است و فرانسویان به استفاده از این واژه عادت ندارند. اما مسئله اینجاست که وقتی بخواهیم در دسته‌بندی دقیق‌تر عمل کنیم، چاره‌ای جز نام‌گذاری جزئی‌تر دسته‌ها نداریم. انگلیسی‌ها، که ید طولایی در تفکر تجربی دارند، لفظ نولا را به داستان‌هایی اطلاق می‌کنند که نه به اندازه داستان کوتاه مختصر هستند و نه به اندازه رمان بلند. بر سر اینکه این کوتاهی و بلندی بنا بر تعداد کلمات باید دقیقاً چقدر باشد، هیچ توافقی نیست، اما اغلب مؤسسه‌ها و جشن‌ها و جوایز ادبی انگلیسی‌زبان آن را در حدود ده هزار تا چهل هزار کلمه

می‌دانند؛ بازه‌ای که ما هم به آن استناد کرده‌ایم. با این حساب، از بیگانه کامو و دل تاریکی کنراد و مزرعه حیوانات اورول گرفته تا پیرمرد و دریای همینگوی و سرود کریسمس دیکنز و بیلی باد ملویل و مسخ کافکا و همین بوف کور خودمان در این دسته جای می‌گیرند. در نتیجه، چه فرض‌مان بر این باشد که این بزرگان در فرمی از پیش تعیین‌شده به نام نوولا طبع‌آزمایی کرده‌اند و چه بالعکس، از تجربه‌گری آنها چنین دسته‌بندی‌ای شکل گرفته است، به یقین بر اهمیت و اعتبار آن صحنه گذاشته‌ایم. از جنبه‌های غیر صوری نوولا نیز بسیار گفته‌اند، مثلاً اینکه به‌خاطر محدودیت حجمی‌اش آن‌قدرها در آن مجامعت‌های پرزدازی وجود ندارد یا فقط می‌توان بر تعداد اندکی شخصیت‌ها تمرکز کرد یا عمق روایی و پیچیدگی ساختاری‌اش به گرد رمان نمی‌رسد، اما در همین حال تمرکز داستان کوتاه و وسعت دید رمان را یک‌جا دارد و می‌تواند، بدون پیچیدگی و گسترده‌ی معمول رمان، درون‌مایه‌ها (ها) و شخصیت‌ها را با بهترین شکل بسط دهد. اینکه چرا با وجود نمونه‌ای مشهور مانند بوف کور نوولا در ادبیات فارسی آن‌چنان محل بحث نبوده است، احتمالاً هم ریشه در فرانسوی‌زدگی دارد و هم در نظریه‌گرایی جامعه‌ی ادبی ما، چرا که جایگاه خلق اثر در آن بسیار رفیع‌تر از نقد و نظر است. البته از این گذشته، حجم نوولاها باعث شده بازآرایی‌شان در ایران و جهان، که با رمان و مجموعه داستان کوتاه مانوس‌اند، با مشکل مواجه شود، چون اغلب نه آن‌قدر کوتاه‌اند که امکان مجموعه‌سازی داشته باشند

یا در مجلات منتشر شوند و نه آن قدر بلند که بتوان آن‌ها را مانند رمان به‌طور مستقل عرضه کرد. اما با گذشت زمان و بسط مدرنیته در کل جنبه‌های زیست معاصر، که به‌ناچار توأم با سرعت و عدم تمرکز است، دیگر خواندن رمان‌هایی در ابعاد کلاسیک برای بشر امروزی نه دشوار که دافعه‌برانگیز می‌نماید. از طرفی، وضعیت اقتصادی نیز حکم می‌کند کتاب‌های کم‌هزینه‌تری در دسترس مخاطبان قرار گیرند تا هر قشری با هر میزان بنیۀ مالی از نعمت کتابخوانی بهره‌مند شود. بنابراین من و همکارانم در نشر رایبد بر آن شدیم تا مجموعه‌ای خاص نوولاها تعریف کنیم. این اقدام علاوه بر ابعاد یادشده می‌تواند نوعی تجربه‌گری ادبی و نوگویی قلم باشد، زیرا با اینکه می‌دانیم حرکت ما به‌کلی بدیع نیست، اما در یک بخش مشخص مخصوص نوولا (البته فعلاً از نوع ترجمه‌شده) از جمله راه‌های تازه‌ی نوآوری است که مسیر به‌چشم‌آمدن بسیاری از آثار مغفول‌مانده اما ارزشمند را هموار می‌کند.

بصیر علاقه‌بند، زمستان ۱۴۰۲، سنج

ژنه دوماال نویسنده، شاعر، منتقد ادبی، جستارنویس، هندشناس و نمایشنامه‌نویس فرانسوی در ۱۶ مارس ۱۹۰۸ به دنیا آمد. در نوجوانی اشعار آوانگارد می‌سرود و نشریات ادبی مهمی آن‌ها را منتشر می‌ساختند. در دهه بیست زندگی کوتاهش، او که به شدت تحت تأثیر آلفرد ژاری^۱، آرتور ژمبو و تنی چند از سوررئالیست‌ها بود، همراه با سه نفر از دوستانش، که خود را ساده‌گرایان^۲ می‌نامیدند، نشریه‌ای ادبی به نام لو گران ژو^۳ تأسیس کردند که درواقع واکنشی هنری به جنبش سوررئالیسم بود. چندی بعد، دوماال که با تعالیم

* تمام پانوشت‌ها از مترجمان هستند، جز چند مورد که به راجر شتیک نویسنده «مؤخره» تعلق دارند و آن را با علامت «ش» در پایان پانوشت‌های مربوطه مشخص کرده‌ایم.
۱. Alfred Jarry (۱۸۷۳-۱۹۰۷): شاعر، نویسنده و نمایشنامه‌نویس سمبولیست فرانسوی بود. از او به‌عنوان یکی از اسلاف سوررئالیسم هم نام می‌برند.

2. Simplists

۳. Le Grand Jeu: به معنای بازی بزرگ.

گئورگ گورجیف^۱ عارف گرجی تبار آشنا شده بود، تصمیم گرفت از زندگی ادبی کناره بگیرد و زندگی‌های دیگری را تجربه کند که آن‌ها را «متافیزیک تجربی» می‌خواند؛ تمرین‌های پیشنهادی گورجیف راهنمایش برای رسیدن به این تجارب بود. دوماال به‌خاطر علاقه‌اش به عرفان شرقی زبان سانسکریت را به‌صورت خودآموز یاد گرفت و متون زیادی دربارهٔ این زبان نوشت؛ برای مثال کتابی راجع به دستور زبان سانسکریت که سال‌ها بعد از مرگش در ۱۹۸۵ منتشر شد. از سوی دیگر، تحت تأثیر ژاری مطالب گوناگونی دربارهٔ علم پاتافیزیک^۲ می‌نوشت. همچنین، چند اثر از ارنست همینگوی، کاری از داییتسو تیتارو سوزوکا و چند اثر از زبان سانسکریت را به فرانسوی ترجمه کرد. دوماال تقریباً بی‌خانمان بود و با همسرش ورا میلانوا دایم از جایی به جای دیگر نقل مکان می‌کرد با اطلاع از بیماری‌اش، یعنی سل پیشرفته، سال‌های آخر عمر را بیشتر در بوستان‌های پیرنه و آلپ بسر برد. در همان سال‌ها، مصادف با دوران جنگ جهانی دوم و گرفتاری‌هایی که به‌خاطر یهودی‌بودن همسرش تجربه کرد، دوباره

۱. George Gurdjieff (۱۸۶۶-۱۹۴۹): عارف، فیلسوف و مرشد گرجی تبار نیمهٔ اول قرن بیستم.

۲. Pataphysics: دانش یا فلسفهٔ علم پاتافیزیک که آلفرد ژاری نویسندهٔ فرانسوی پایه‌گذار آن است، با قوانینی سرورکار دارد که در آن‌ها استثنائات حکمرانی می‌کنند و به‌نوعی پارودی علوم متعارف است. در پاتافیزیک هر رویدادی در جهان به‌عنوان اتفاقی فوق‌العاده شناخته می‌شود.

۳. Daisetsu Teitaro Suzuki (۱۸۷۰-۱۹۶۶): نویسندهٔ ژاپنی کتاب‌ها و مقاله‌هایی در مورد بودیسم و فرقهٔ ذن و نیز مترجم پرکار ادبیات چینی، ژاپنی و سانسکریت به زبان انگلیسی.

به سرودن شعر روی آورد و زیباترین نامه‌هایش را نوشت. او نگارش مهم‌ترین اثرش یعنی داستان کوه آنالوگ را در ژوئیه ۱۹۳۹ حین اقامتش در پلوو^۱ واقع در کوهستان آلپ و در شرایطی بسیار ناگوار آغاز کرد. دوما^۲ سی و یک ساله فهمیده بود قرار است به زودی بمیرد: از ده سال پیش از آن به سل مبتلا شده بود و حالا بیماری‌اش به مرحله‌ای رسیده بود که دیگر نمی‌شد برایش کاری کرد. سه فصل از کتاب در ژوئن ۱۹۴۰ تکمیل شد، زمانی که دوما^۳ پاریس اشغالی را از ترس جان هراسش ترک کرد. طی سه سال در مناطق گاوآرنی (در کوه‌های پیرنه)، او در اطراف مارسی و پلوو، در شرایطی بسیار دشوار، روزگار گذراند ولی سرانجام در تابستان ۱۹۴۳ کمی به آرامش رسید و امیدوار شد بتواند رمان خود را پایان بربساند. کار را مجدداً آغاز کرد ولی وخامت بیماری‌اش مانع از آن شد که روایت این سفر به قول خودش «به طرز نمادینی واقعی» را تمام کند. او سرانجام در ۲۱ مه ۱۹۴۴، وقتی سی و شش سال بیشتر نداشت، در پاریس چشم از جهان فرو بست. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به میگساری بزرگ^۴، ضد آسمان^۵، نبرد مقدس^۶، همیشه اشتباه کردی^۷، بهاراتا، خاستگاه

1. Pelvoux

2. Allauch

3. La Grande Beuverie

4. Le Contre-Ciel

5. La guerre sainte

6. Tu t'es toujours trompé

تئاتر، شعر و موسیقی در هند^۱، رُنه دومال یا بازگشت به خویشتن^۲ و ده‌ها اثر دیگر اشاره کرد.

• • •

با اینکه کوه آنالوگ اثری ناتمام است ولی ترکیب‌بندی و ساختار آن به گونه‌ای است که در هر لحظه می‌توان به هدف منحصر به فرد نویسنده‌اش پی برد. خواننده با استفاده از طراحی‌هایی که نویسنده در کتابش ترسیم کرده و به‌خصوص یادداشت‌برداری‌هایش برای فصول نگاشته‌نشده - که اینجا تحت عنوان «یادداشت‌های ناشر فرانسوی» آمده - به راحتی می‌تواند ادامه و پایان این «ماجراجویی کوهستانی» را در ذهن خود بازسازی کند. به گفتهٔ ویلیام مارکس، نویسندهٔ فرانسوی، آنالوگ در یونان باستان به معنای سخنی بود که از پایین به بالا کامل می‌شد (logos به معنای سخن، خطابه، گفتار و ana به معنای بالا؛ در واقع، یعنی «صعود از نمایی به تفسیر بهتر آن»^۱). داستان کوه آنالوگ سفرنامه‌ای است که یک راوی آن را برای مان بازگو می‌کند. در این داستان، که تمثیلی شگفت‌انگیز از ادبیات است، گروه کوچکی از دوستان برای کشف کوهی مرموز در نیم‌کرهٔ جنوبی راهی سفر به مکانی با ارزش نمادین بسیار بالا می‌شوند، جایی که برای انسان فانی معمولی دسترس‌پذیر نیست. این کوه با رشته‌کوه‌های نیم‌کرهٔ شمالی توازن برقرار می‌کند و با تمام کوه‌هایی که در سنت‌ها

1. Bharata, l'origine du théâtre, la poésie et la musique en Inde

2. René Daumal ou le retour à soi

و ادیان باستانی از آن‌ها یاد شده، هم‌چون سینا، مِرو^۱ و اَلْمپ، برابر است. در پای کوه، مسافران با جامعه‌ای کاملاً جهان‌وطنی مواجه می‌شوند که فقط روی کوهنوردی تمرکز دارد و تعدادی راهنما این جامعه را رهبری می‌کنند. پس مسافران ما هم تصمیم به صعود می‌گیرند. رمان آنها را در مسیری به‌سوی ناگفتنی‌ها، در میانهٔ جمله‌ای از فصل پنجم، رها می‌کند.

...

کوه آنالوگ پس از انتشار به زبان فرانسه توجهات بسیاری را به خود جلب کرد و تاکنون در کشورهای فراوانی از آن به عمل آمده، از جمله دست‌کم دو ترجمهٔ انگلیسی. جالب آنکه آخاندرو خودوروفسکی، سینماگر سرشناس شیلیایی، فیلم مهمی در کوه مقدس (۱۹۷۳)^۲ را از همین داستان اقتباس کرده است. برای اطلاعات بیشتر درخصوص ژنه دومال و کوه آنالوگ می‌توانید به مؤخرهٔ این کتاب رجوع کنید.

1. Meru

2. The Holy Mountain